

روزهای سیاه‌تان را نارنجی کنید

ماهرخ غلامحسین پور

روزهای نارنجی از روز بیست و پنجم نوامبر شروع شده و روز جهانی حقوق بشر، یعنی روز دهم دسامبر تمام می‌شود. در این باره بیشتر بخوانید: [شانزده روز نارنجی برای زنان در دنیای که هنوز نارنجی نشده](#)

خواهران میرابل سال‌های متوالی، بی‌خستگی و سکوت، علیه دیکتاتوری خشونت‌بار «رافایل تروخیو» مبارزه کرده و در نهایت با یک تصادف برنامه ریزی شده کشته شدند. حکومت «رافایل تروخیو» فقط یک سال بعد از مرگ ماریا، مینروا و پاتریا دوام آورد و بعد از آن سرنگون شد اما نام این سه زن به عنوان سمبل مقاومت زنانه در جهان باقی ماند و بعد از آن بود که این روز، توسط اکثریت قریب به اتفاق کشورهای جهان به عنوان روزی نمادین برای مبارزه با خشونت علیه زنان شناخته شد. درباره تاریخچه این روز بیشتر بخوانید: [از پروانه‌های فراموش‌نشده تا کمپینی جهانی در مقابله با خشونت علیه زنان](#)

هر ساله از سوی کمپین بین‌المللی کارزار و مبارزه با خشونت علیه زنان، یک شعار نمادین، مورد توجه عمومی قرار گرفته و به عنوان شعار اصلی آن سال انتخاب می‌شود، موضوع امسال نیز «حمایت مالی و جمع‌آوری منابع برای مبارزه با خشونت علیه زنان در سطح ملی و محلی» است. درباره کمپین‌های موفق برای مقابله با خشونت علیه زنان بخوانید: [این سو و آن سوی دنیا: مبارزه با خشونت علیه زنان](#)

منابعی که برای کنترل خشونت علیه زنان به کار گرفته می‌شوند در دنیای امروزی ناکافی‌اند. هنوز هم [یک نفر از هر سه زن ساکن کره زمین](#) در طول زندگی‌شان با خشونت‌های مختلف فیزیکی و روانی مواجه‌اند و اغلب این خشونت‌ها را از سوی نزدیکانشان تجربه می‌کنند.

آقای «مهرداد عمادی»، کارشناس و مشاور نهادهای بین‌المللی در این گفت و گو به خانه امن از میزان ضرورت و اهمیت شعار انتخاب شده می‌گوید.

او می‌گوید باید دقت کنیم که تامین منابع با موضوع دسترسی عادلانه به منابع و فرصت‌ها متفاوت است. در واقع سازمان‌های بین‌المللی تلاش می‌کنند برای آموزش زنان و مردان جهان برای رفع خشونت، خصوصا خشونت‌های خانگی علیه زنان، منابع مالی مورد نیاز را تامین کنند.

آقای عمادی آیا اساسا موضوع تامین منابع برای رفع خشونت آنقدر اهمیت دارد که به عنوان شعار اصلی این کارزار یا کمپین در طول دو هفته نارنجی انتخاب شود؟

به نظرم اتفاق بسیار مهمی است و می‌تواند در کنترل خشونت خانگی علیه زنان، مهم و اثرگذار باشد. از آنجایی که ما تا به حال با چنین مسئله‌ای به طور واضح و شفاف و عملی مواجه نبوده‌ایم، باید به تامین منابع برای موارد هم عرض و مشابه نگاهی بیندازیم.

به عنوان مثال به مشکلی که نام مصرف دخانیات یا قاچاق زنان و کودکان زیر 18 برای تجارت جنسی سال دقت کنید. این دو مسئله مدت‌های مدیدی دنیا را در محاق فرو برده بود. دولت‌ها واقعا سردرگم بودند که چطور آنها را کنترل کنند. تا زمانی که توجه ویژه برای اختصاص منابع مالی به این پروژه‌ها مورد عنایت سازمان‌های بین‌المللی قرار نگرفت این دو مشکل روز به روز جدی‌تر می‌شد.

آیا تامین منابع به تنهایی می‌تواند دنیا را از شر خشونت خانگی برهاند؟

باید بگویم تامین منبع به تنهایی مهم نیست. این بخش از اهمیت بیشتری برخوردار است که بودجه تامین شده کجا و چطور هزینه خواهد شد؟ مهم است که در جای مناسب هزینه شود. دقت کنید که خشونت خانگی در خانه‌ها اتفاق می‌افتد و کمتر، با روش‌های نظارتی قابل کنترل است، بلکه با آموزش خانواده و جامعه محقق می‌شود.

مثلا در اروپای شرقی که منبع اصلی تامین کارگران جنسی برای بهره‌برداری جنسی بود، تلاش دولت تا زمانی که بودجه مناسب در این زمینه اختصاص داده نشد، به نتیجه منطقی نرسید.

به باور شما به عنوان یک کارشناس مالی، منابع اختصاصی برای مدیریت و کاهش خشونت خانگی علیه زنان، در چه حوزه‌هایی باید هزینه شود؟

همان‌طور که گفتم در وهله نخست در بخش آموزش خانواده و آموزش دانش‌آموزان در سیستم آموزشی از ابتدایی‌ترین پایه‌ها، پس از آن

آموزش قضات و سیستم دادگستری، آموزش پلیس برای اتخاذ شیوه برخورد مناسب با فرد آسیب دیده و همچنین تهیه فیلم و خوراک فرهنگی برای قانع کردن و آموزش افکار عمومی. یک کودک از همان بدو ورود به جامعه باید متوجه زشتی اقدام خشونت آمیز باشد، جامعه هم بیاموزد که همگام و همسو با فرد آزار دیده از او حمایت کند.

پلیس باید آموزش ببیند که وقتی یک زن قربانی به سیستم حمایتی مراجعه کرد، بهترین شکل برخورد با او چطور خواهد بود تا رفتار و برخورد اولیه ما، زخم او را عمیق تر نکند.

همه اینها جز با تامین مالی، قابل دسترسی و اجرا نیست. دنیای امروز دنیای هزینه کردن، تبلیغات و تهیه خوراک مناسب برای افکار عمومی است.

تا زمانی که بودجه مبارزه با دخانیات در اروپای غربی به حد کفایت تامین نشد، شما در مدارس، تلویزیون، کف جامعه و در سطح خانواده، تغییر محسوسی احساس نکردید. همزمان با اختصاص بودجه در این زمینه بود که جامعه متوجه مسیر تاریکی شد که در حال طی کردنش بود و افزایش هر روزه دخانیات متوقف شد.

آیا آموزش کودک و خانواده کافی است؟

نه به نظرم کافی نیست. خشونت خانگی الزاما با آموزش خانواده قابل کنترل نیست، باید بدنه اجتماع را هم درگیر کرد. با آموزش همه جانبه. وقتی می گوئیم بدنه اجتماع، باید به آن به صورت عمودی نگاه کنیم به لایه های بالاتری همچون دولت تا قوه قضاییه، اجراییه، پلیس و بخش قانونگذار سطح عمومی جامعه.



الان هم این شعارها توسط نهادهای مختلفی در سطح جامعه تکرار می شود. اما راهگشا نبوده و آمار خشونت خانگی را کاهش نداده است.

به این دلیل است که گرچه خشونت خانگی در حوزه گفتار بد نیست. اما کافی و راهگشا نخواهد بود. به صورت عملی باید در این حوزه ورود کنیم و ورود به آن جز با صرف هزینه و تامین منابع ممکن نیست، به عنوان مثال ذائقه دنیای امروز هنر و سینما را می پسندد. کسی حوصله ندارد بیانیه یا دستورالعمل بخواند. پس می شود با عنایت به سینما و تلویزیون این مفاهیم را آموزش داد و دنبال نشانه های عمیق و پنهان خشونت خانگی بود.

چطور ممکن است در جامعه ای که به روند خشونت خانگی عادت کرده و هم قربانی هم بقیه اعضای خانواده آن را عادی می پندارند، فهماند که باید درمقابل این مفاهیم عمیقا ریشه دوانده ایستاد؟ با دست خالی ممکن است؟ باید تعداد قابل توجهی مامور و ناظر و مددکار اجتماعی زن پرورش بدهیم. برای حفاظت از کودکان خشونت دیده باید مراکز نگهداری مناسب راه اندازی کرد.

نمونه های عملی هم دیده اید؟

بله. من بارها دیده ام هم اتحادیه اروپا و هم سیستم سوشال آمریکا هزینه هایی را اختصاص می دهند برای به روز کردن آموزش قضات و اتفاقا نتیجه بخش هم بوده.

طبعاً این آموزش ها باید یک پارچه باشد. آموزگار مدرسه باید کودک را آموزش دهد که هم روحیه ضد خشونت داشته باشد، هم خودش اگر در معرض خشونت باشد، قادر باشد در مقابل آن مقاومت کند.

همزمان باید مراکزی برای حمایتگری از کودک وجود داشته باشد. باید این سلسله مراتب به نظم و به قاعده فعالیت کنند تا نتیجه بخش باشد و این کار جز با تامین منابع مالی و صرف هزینه ممکن نخواهد بود.

نیازمند آموزش نسل جدید هستیم با توجه به تغییرات و نیازهایی که رخ داده، این که دنبال چه نشانه‌ها و علامت‌هایی باشیم. خشونت‌های زیرپوستی را چطور شناسایی کنیم؟

تا به حال در چه کشورهایی در این مورد با تکیه بر تامین منابع، قدم‌های موثری برداشته شده؟

در فنلاند و در آلمان مسئله خشونت علیه زنان و کودکان بسیار جدی مورد توجه و عنایت قرار گرفت. هر سال منابع مهمی به آموزش در این حوزه اختصاص داده شد. دولت‌های این دو کشور این مقوله را جدی گرفتند و اکنون در آمارهای مرتبط با خشونت خانگی این کشورها، نتایج خوبی گرفته شده است.

به باور من تامین یا اختصاص منابع ربطی به شرق و غرب جهان ندارد. در جامعه‌ای مانند چین که یک جامعه سوسیالیستی است یا جامعه عربستان یا حتی آمریکا و اروپا هم تامین چنین منابعی ضروری است.

یک تفاوت بنیادی البته وجود دارد مثلا در کشوری مثل پاکستان کمی روند کار دشوارتر است. چون تحمل و مدارای پلیس در مواجهه با قربانی خشونت بسیار بیشتر است تا مثلا کشوری مثل آلمان یا فنلاند.

یا در کشوری مثل ایتالیا هم خشونت خانگی علیه زنان چندان جدی گرفته نشده است. حتی حدی از خشونت خانگی را قابل تحمل می‌دانند. بخشی از آن ریشه در فرهنگ و عرف دارد. در چنین جوامعی آموزش پلیس بسیار مشکل‌تر خواهد بود چون آنها اطلاعاتی در تضاد با سنت‌های جاری در جامعه دریافت می‌کنند.

به نظرتان در نهایت دنیای عاری از خشونت خانگی خواهیم داشت؟

بله. چالش مبارزه با خشونت از نوع خانگی و اجتماعی، چالشی بزرگتر از چالش مبارزه با مصرف دخانیات نیست. مصرف دخانیات با لابی‌های بزرگ و سرمایه‌گذاری‌های شگفت اقتصادی حمایت و پشتیبانی می‌شد ولی چون در سطح عموم پذیرفته شد که مصرف سیگار، تنها آسیب شخصی به دنبال نخواهد داشت، بلکه نزدیکان مصرف‌کننده را نیز درگیر و هزینه‌های اجتماعی بسیاری ایجاد می‌کند، جامعه این آمادگی را پیدا کرد که با فشار بسیار، منابع موجود برای کنترل مصرف دخانیات را تامین کند، شروع کردند به آموزش و ما دیدیم که در بریتانیا که بیشترین مقاومت را در مقابل تبلیغات ممنوع کردن دخانیات داشت، این روزها مردم خودشان مشتاق هستند و اگر کسی در یک محیط عمومی بخواهد سیگار بکشد، مردم عادی اعتراض می‌کنند.

به نظر من چالش خشونت خانگی چالشی به مراتب قابل کنترل‌تر خواهد بود.

با نگاهی به مجموع سخنانتان من فکر می‌کنم شما از مدافعان شعار امسال کارزار مبارزه با خشونت علیه زنان هستید.

تصور می‌کنم این شعار به شدت امیدوارکننده است و اگر در عمل هم اجرا شود، سه سال دیگر شما خواهید توانست میزان خشونت را بسنجید و می‌بینید که این پروژه پاسخ‌دهی اجتماعی بسیار مثبتی خواهد داشت. با تامین منابع و آموزش می‌شود آگاهی اجتماعی و حساسیت جمعی را نسبت به خشونت خانگی افزایش داد. به شکلی که شهروندان، خشونت را در هیچ سطحی قابل پذیرش ندانسته و جرم تلقی کنند. به باور من ذهن جهان پذیرای این تغییر و مقابله با خشونت خانگی است. ما فقط نیاز به منابع داریم.